### **جلسه** 13

**چهارشنبه - 15/10/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مفهوم غنا بود.

#### مشهور فقهاء: غنا مد صوت مشتمل بر ترجیع مطرب

که لغویین در مورد آن اختلاف کرده بودند و کلام‌شان مضطرب بود:

در قاموس گفته بود: الغنا من الصوت ما طرّب به. صدایی که موجب طرب بشود.

در مصباح المنیر گفته بود: الغنا مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب.

که مشهور در کلام فقهاء هم همین است که غنا مد صوت است که مشتمل بر ترجیع مطرب است.

#### استاد: اشعار لهوی بدون ترجیع غنا است، وترجیع ومطرب مداحین غنا نیست

و انصافا این کلام مصباح المنیر که مورد مشهور فقهاء قرار گرفته غیر عرفی است. اشعار لهوی گاهی با صدای خوش خوانده می‌شود، هیچ در آن، ترجیع نیست، صدا را بر نمی‌گردانند به حلق و لکن با همان صدای آرام، تحت تاثیر قرار می‌دهند مستمع را. مضمون اشعار را هم که می‌خوانند اشعار عاشقانه و لهوی است. کدام عرف تامل می‌کند در صدق غنا بر این؟‌

و لذا در مجمع البحرین گفته الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب او ما یسمی بالعرف غنائا و ان لم یطرب.

خب این هم که دیگه با این أو ما یسمی بالعرف غنائا و ان لم یطرب، تعریف را خراب کرد. دیگه معنایش این است که هر چه عرف بگوید غنا. غنا چیست آنچه را عرف بگوید غنا است، خب این معنا کردن فایده‌ای ندارد.

در لسان العرب می‌گوید: کل من رفع صوته و ولاه فصوته عند العرب غناء. هر کس صدایش را بلند کند و پشت سر هم بخواند عرف عرب می‌گوید این غنا است.

خب این‌هایی که قرآن می‌خوانند، ‌مداحی می‌کنند، این‌ها صدایشان را بلند می‌کنند، تحسین صوت هم دارند، این غنا هست؟ این روایتی که می‌گفت و اجتنبوا قول الزور یعنی الغنا، عرف یک معنای اعمی می‌فهمد که شامل قرآن خواندن به صدای زیبا هم می‌شد؟ که امام زین العابدین کان احسن الناس صوتا و وقتی قرآن می‌خواند سقاها جمع می‌شدند دور منزل ایشان، صدای قرآن ایشان را بشوند. عرف می‌گفت یغنی؟ قطعا این‌طور نیست.

#### تعاریف لغویین تعریف شرح الاسمی است، جامع ومانع نیست

و لذا ما معتقدیم این تعریف‌ها برای غنا مصداق همان کلامی است که آقایان گفتند، گفتند لغوی شرح الاسمی معنا می‌کند؛ تعریفش جامع و مانع نیست. سعدانه نبت. این مقدار هم که مفید نیست.

#### عدم ثبوت وثاقت لغویین

علاوه بر این‌که وثاقت لغویین که قول به غیر علم نگویند، این‌ها برای ما ثابت نیست. او دنبال تالیف یک کتاب لغت بوده، بالاخره نمی‌شود که بگوید نمی‌دانم. در یک جا دیدید که بگوید لااعرف معناه. بالاخره یک معنایی برایش پیدا می‌کند و می‌گوید. این‌ها معلوم نیست ثقه بودند. حالا خبره هم بودند. وثاقت‌شان به این معنا که جعل بکنند نمی‌گویم ها!. قول به غیر علم نگویند، ‌دقیق حرف بزنند، ‌این ثابت نیست.

#### تعارض واضطراب کلمات لغویین

و تعارض هم که داشت، اضطراب هم که داشت، خلاف وجدان هم بود.

حتی آن تعریف مصباح المنیر که مورد قبول فقهاء بود، جامع و مانع نبود. برخی از غناهای یقینی ممکن است مشتمل بر ترجیع نباشد.

[سؤال: ... جواب: اصلا آن مغنیه‌های عجم و عرب که دیگه مصداق بارز غنا و آوازه‌خوانی است آوازشان... اصلا آرام می‌خواند بدون این‌که چهچهه بزند. ... بله؟ ... حالا بالاخره انسان به گوشش که می‌خورد که. بالاخره به گوش‌مآن‌که خورده؛ استماع نکردیم، سماع که شده. مخصوصا زمان طاغوت سوار ماشین می‌شدیم، ‌ما هم که کوچک بودیم نمی‌توانستیم نهی از منکر کنیم، ‌خب می‌گذاشتند. ... چهچهه نمی‌زند. خیلی آرام می‌خواند ولی دل را می‌برد.

و از آن طرف: آقا! بعضی از این مداح‌های خوش‌صدا، این‌ها خب ترقیق صوت دارند، مد الصوت دارند، ترجیع دارند، خب مطرب به این معنا که انسان خودش را می‌خواهد تکان می‌دهد، ‌همراهی کند با این قرآنی که می‌شنود، ‌این مداحی که می‌شنود، این می‌شود غنا؟ و اجتنبوا قول الزور یعنی الغنا، اذا میز الله الحق و الباطل فاین یکون الغنا؟ قال مع الباطل، شامل این‌ها می‌شده؟

و لذا این تعریف‌ها جامع و مانع نیست.

#### صاحب وقایة الاذهان: غنا یعنی آواز موزون

مرحوم محقق اصفهانی آشیخ محمدرضا صاحب وقایة الاذهآن‌که ظاهرا استاد امام هم بوده، یک رساله‌ای نوشته در غنا، امام نقل کرده. خلاصه این رساله این است که می‌گوید غنا آواز موزون هست و لو از یک انسان بدصدا، ‌یک انسان انکر الاصوات رفته فن موسیقی را یاد گرفته و شعر که می‌خواند با رعایت فن موسیقی، آواز متناسب دارد. این آواز متناسبش غنا است. و این مطلب را فرموده.

شاهد هم آورده. گفته ببینید! شاعر گفته وقتی که اذا غنانی القرشی دعوت الله بالطرشی. وقتی قرشی غنا می‌خواند می‌گویم خدایا!‌ای کاش کر بودم و نمی‌شنیدم. این انکر الاصوات بود ولی می‌گوید غنا.

آن وقت در عین حال ایشان فرموده غنا آنی است که شأنیت طرب داشته باشد. طرب چیه؟ طرب این است که عقل را زایل کند. مثل حالت مستی.

#### اشکال اول (امام): تناقض‌بین عدم اعتبار طرب در غنا با صوت ردیئ و اعتبار اطراب شأنی

به قول امام این حرف‌ها با هم جور در نمی‌آید. این که تناقض‌گویی شد. از یک طرف شما می‌گویید غنا صوت موزون است و لو شخص صدا ردئ داشته باشد، تعبیر می‌کند و ان لم یطرب، و لو بخاطر این صدای بد موجب طرب نشود، از آن طرف می‌گویید غنا آنی است که موجب طرب می‌شود شأنا و طرب هم در حدی است که زوال عقل می‌آورد، عقل را از بین می‌برد، صدای بد که شأنیت اطراب ندارد، شأنیت اطراب یعنی برای انسان‌های متعارف طرب می‌آورد نه برای انسان‌های بی‌احساس. انسان‌های بی‌احساس که اصلا احساس ندارند. دیدید بعضی‌ها هر چی جک می‌گویی نمی‌خندند؟ می‌گویی این ‌که احساس ندارد برویم یکی را پیدا کنیم تا جک گفتیم می‌خندند. طرب هم همین است. بعضی‌ها احساس ندارند. هر چی صدای خوش شما به این‌ها عرضه کنی، اصلا در این عالم‌ها نیست. ایشان می‌گوید شأنیت اطراب این است که برای متعارف مردم طرب‌انگیز باشد.

[سؤال: ... جواب: نه. نه. مرادش تصریح کرده. ببینید! تعبیرش این است، می‌گوید که الذی من شأنه ایجاد الطرب لمتعارف الناس. و الطرب خفة التی تعتری الانسان و تکاد ان تذهب بالعقل و تفعل فعل المسکر لمتعارف الناس. فالصوت الخالی عن التناسب لایکون غنائا و ان اوجب الطرب و قصد به اللهو. می‌گوید صدای خوش که ناموزون است، این غنا نیست. و لو بخاطر این‌که صدای خوش است موجب خفت در انسان بشود؛ انسان را سبک کند، انسان خودش را تکان بدهد. اما این صوت موزون نیست. گاهی برخی همین عادی هم که صحبت می‌کنند چنان لحنی دارد که انسان به وجد می‌آید. به حالت طرب می‌آید. نحوه سخن گفتن این طور است. ولی متناسب به آن معنایی که تناسب موسیقی ندارد. ایشان می‌گوید این غنا نیست. از آن طرف می‌گوید صوت متناسب و لو از شخص ردئ الصوت غنا هست. و لم یطرب بل اوجب عکس الطرب. خب ردئ الصوتی که صدایش موزون است، متناسب است، فن موسیقی را رعایت می‌کند ولی مطرب نیست بل اوجب عکس الطرب، خب اگر این غنا است پس چرا شما قبلا فرمودید من شأنه ایجاد الطرب.

#### اشکال دوم (امام): نوع غناها طرب به معنای زوال عقل را ندارند

و از طرف دیگر شما معنایی که کردید برای طرب به قول امام، خیلی سخت است که طرب آنی است که سبب زوال عقل بشود. بابا! نوع غناها این‌طور نیست. نوع مصادیق بارز غنا در این حد نیست که از خودبی‌خود کند انسان را و بی‌عقل بکند. بله، انسان خوشش می‌آید ولی دیگه این‌که بلند شود، حرکات نامعقولی از او سر بزند، این معمولا نیست. این تعاریف را از کجا آوردید؟ اصلا در کلمات لغویین هم این مطالب نبود.

و انصافا این اشکال امام وارد هست.

#### امام: صوت ردئ قطعا غنا نیست

ما این‌که ایشان، ‌مرحوم آشیخ محمدرضا اصفهانی فرمود که صوت ردئ غنا است و امام در مقابل فرمودند نخیر، به وجدان لغوی صوت ردئ غنا نیست و لو صوت متناسب و موزون باشد.

#### پاسخ: قطعی نیست عدم صدق غنا بر صوت ردئ

ما نمی‌خواهیم قطعی بگوییم. فرمایش امام هم برای ما روشن نیست که آیا صوت ردئ موزون و متناسب در عرف عرب غنا بود یا غنا نبود، برای ما واضح نیست. چون معنای غنا مجمل است. ما درست نمی‌فهمیم معنای غنا چیست. بعید نمی‌دانیم مظنون همین است که غنا بر صوت ردئ صادق نباشد اما جازم شدن به این مطلب کار مشکلی است. ولی عرض ما این است که شک هم بکنیم، شبهه مفهومیه غنا بشود که بر صوت ردئ منطبق است یا منطبق نیست برائت از حرمت استماع صوت ردئ جاری می‌کنیم. صدای بد ولی صدای بدی است از شخصی است که معلم موسیقی است کاملا فن موسیقی را در این آوازش رعایت می‌کند ولی صدای چندش‌آوری دارد. خب این معلوم نیست غنا بر آن صادق باشد. دلیلی بر حرمتش نداریم.

امام جازمند می‌گویند نه، اصلا عرف این را غنا نمی‌داند. و این شعر اذا غنانی القرشی استهزاء است. مثل این‌که به کچل بگویند ذو الفری، به انسان بخیل بگویند حاتم. به این قرشی بد صدا هم گفتند مغنی. این تحکم و استهزاء بود. امام نظرشان این است. ولی برای بنده روشن نیست. و الذی یسهل الخطب این‌که شبهه مفهومیه هم بشود مجرای برائت است.

[سؤال: ... جواب: تناسب یک امر فطری است. این‌ها یک مقدارش علم آکادمیک است به قول آقایان. و الا آن‌ها که درس نخونده بودند، مغنی بودند به همان وجدان فطری‌شان رعایت می‌کردند.

#### تعریف مرحوم امام برای غنا

خود امام این‌جور تعریف می‌کند غنا را، ایشان می‌گوید که اولی این است که تعریف کنیم غنا را که صوت الانسان.

خب جزء اول تعریف این است که صوت الانسان باشد غنا. غنا صوت انسان است. حالا اگر یک بلبلی، یک طوطی‌ای بیاید تقلید کند صدای یک مغنی را، لازمه این کلام این است که او دیگه غنا نیست.

[سؤال: ... جواب: دستگاه موسیقی که آلات لهو است. غنا با ضرب آلات لهو فرق می‌کند. غنا صوت است، کیفیت صوت است.

خب می‌گویند صوت الانسان. ولی اگر واقعا آموزش بدهند به طوطی که دقیقا صوت انسان را تقلید کند و صوت لهوی را تقلید کند، آیا او غنا نیست؟‌امام می‌فرمایند نخیر. صوت الانسان غنا است.

این اختصاص به ایشان ندارد. مرحوم آشیخ محمدرضا اصفهانی هم گفت که صوت انسان غنا است. و الا اگر از آبشار یک صدای موزونی به گوش برسد او که غنا نیست.

خب بله، صدای نم‌نم باران یا آن جوی آب یا آبشار وقتی آب به زمین می‌رسد یک صدای قطره‌قطره که روی زمین بریزد او غنا نیست. اما آیا اگر یک طوطی هم تقلید انسان بکند، صوت لهوی انسان را تقلید کند، ‌این غنا نباشد، نه، ظاهرا این غنا هست. به قول ایشان مثل ضبط می‌ماند.

شرط دوم این است که صوت حسن باشد. صوت ردئ غنا نیست. البته صوت حسن و لو فی الجملة. این بهانه نشود که از این به بعد هر کی این سرودها را گوش بدهد بگوید بابا! ‌این‌که صدایش خوب نیست. نه دیگه. صوت حسن و لو فی الجملة.

شرط سوم این است که شأنیت اطراب داشته باشد. بخاطر موزون بودن شأنیت اطراب داشته باشد برای متعارف مردم. و لو بالفعل مطرب نباشد برای این آقا چون این آقا احساس ندارد. ولی این صدا برای متعارف مردم شأنیت [اطراب] دارد.

[سؤال: ... جواب: گاهی مضمون، مضمون غنا جوری است که ضد حال است. او مانع می‌شود از طرب، او مهم نیست. این صوت به نحوی است که شأنیت دارد که موجب سبکی و خفت نوع مردم بشود. خصوص شخص من مهم نیست. ممکن است من بی‌احساس باشم. خصوص این کلام هم مهم نیست. ممکن است این کلام مضمونی دارد که ضد آن طرب در کیفیت صوت عمل می‌کند، ضد حال می‌زند به قول شما. او هم مهم نیست. مهم آن صوت است. آن صوتی که شأنیت دارد برای اطراب. ایشان این‌جور معنا می‌کند.

بعد می‌گوید غنا نه مد الصوت در آن لازم است نه ترجیع لازم است. فقط همین: غنا یعنی صوت مطرب است نه صوت لهوی است، الغنا لیس مساوقا للصوت اللهوی و الباطل و لا صوتا مناسبا لالحان اهل الفسوق و الکبائر. نخیر، صوتی که من شأنه الطراب. همین. کی گفته غنا صوت لهوی است؟ کی گفته غنا صوت باطل است؟ چرا مرحوم شیخ می‌فرماید که غنا صوت متناسب با مجالس و الحان اهل فسوق است؟ بسیاری از غناها خارج هستند از این تعریف‌هایی که آقایان می‌گویند. و بسیاری از الحان اهل فسوق، غنا لازم نیستند. غنا باید مطرب باشد. خب اهل فسوق یک ادبیات خاصی دارند اصلا، هم محتوای حرف زدن‌شان و هم کیفیت حرف زدن‌شان. اما این‌که غنا نمی‌شود که. اصلا دیدید بعضی‌ها صحبت که می‌کند معلوم است، تعبیرهای زشت چاله میدانی، ‌هم محتوای حرفش هم کیفیت حرفش. این که غنا نمی‌شود.

[سؤال: ... جواب: نه الحانش هم همین است. ندیدید چطور حرف می‌زنند؟ ... ایشان می‌گوید پس مناسب با الحان اهل فسوق نشد غنا. حتی غنا مساوق با صوت لهوی هم نیست. غنا صوت مطرب است.

این محصل فرمایش ایشان است.

بعد ایشان فرمودند این را هم بدانید واضح است برای ما که هیچ جای تردید نیست، محتوا هیچ نقشی در غنا ندارد. با این کیفیت صوت شما شعر حق بخوانید یا شعر باطل و لهوی بخوانید فرق نمی‌کند. غنا صدق می‌کند بلافرق بین ان یکون الکلام باطلا او حقا و حکمة او قرآنا او رثاء لمظلوم. و هو واضح لاینبغی التامل فیه.

#### بررسی قید لهوی بودن مضمون غنا

خب ما بعد از این‌که دست‌‌مان از کلمات لغویین کوتاه شد، دست‌مان هم از عرف کوتاه است، حالا غیر از این‌که ما معنای الفاظ عربی را بطور دقیق وجدان نمی‌کنیم، حتی خود عرب‌زبان‌ها هم دقیق لفظ غنا را معنایش را نمی‌دانند. بله، یک مصداق بارزی دارد، فلان آوازه‌خوان مغنیة العرب. این را می‌دانند. اما دقیق بگویند این آوازی که شعر حافظ را می‌خواند این غنا است یا غنا نیست، خود این‌ها هم نمی‌دانند. و لذا ما دست‌مان از فهم عرف هم کوتاه است. ما باید ببینیم آن مقدار که یقینا غنا بر آن صادق است، اخذ به قدر متیقن کنیم در مازادش برائت جاری کنیم.

اول از این شروع بکنیم که آیا شرط صدق غنا لهوی بودن و باطل بودن مضمون کلام هست یا نیست؟‌

سه قول در مسئله هست.

[سؤال: ... جواب: بله؟ ... امام فرمودند که غنا صوتی است که حسن ذاتی دارد. و لذا صوت ردئ غنا نیست. ... غیر از تناسب صوت، ‌غیر از این‌که موزون است که این هم موجب یک حسنی هم می‌شود در صوت، ‌غیر از این حسن ذاتی داشته باشد. خوش‌صدا باشد. غیر از آن تناسب حسن ذاتی داشته باشد یعنی طرف خوش‌صدا باشد. ... ظاهرش این است که در کلام آشیخ محمدرضا اصفهانی احتراز بود از صوت حیوانات و صوت مثلا نزول مطر و رسیدن قطراب آب روی زمین. ... حالا ضبط صوت عرفا صوت انسان است. ... من هم قبول دارم. من هم همین را عرض می‌کنم، من هم عرض می‌کنم بعید است که ما بخواهیم الصوت الانسان، احتراز کنیم از صدای مثل طوطی که تقلید انسان می‌کند یا اختراع کنند یک دستگاهی را، علم پیشرفت کرده، بیایند نرم‌افزار جوری که واقعا شبیه صدای انسان تولید کند، یه آواز بخواند بعد یکی بگوید این‌که صوت انسان نیست پس حلال، نه. به قول شما بعید نیست که این آقایان احتراز می‌خواهند بکنند از آن صوت طبیعی حیوانات، صوت طبیعی باران و باد. ... صوت طبیعی بلبل هم غنا نیست. اما اگر خواست تقلید کند صدای انسان را، آن واقعا اگر بتوانند این قدر یادش بدهند که شبیه آواز فلان آوازه‌خوان بخواند خب این هم بعید نیست غنا باشد.

سه قول هست در مسئله این‌که آیا معتبر است مضمون کلام، باطل باشد یا نه.

#### مراد از لهوی در این بحث گناه نیست

قبلا عرض کنم:‌هیچکس نگفته که باطل بودن مضمون کلام یعنی گناه بودن؛ ترغیب به منکر. نخیر. آنی که می‌گوید شرط در غنا این است که محتوای آن باطل باشد یعنی اشعار عشقی، اشعار عاشقانه، عشق‌های مجازی. آن‌ها است که در عشق زیبارویان و این‌ها می‌سرایند و حالا یا معشوق فرضی یا معشوق حقیقی در رابطه با او شعر می‌گویند، ‌در وصالش در فراقش، این بحث هست. مراد از بطلان و لهوی بودن مضمون این است. نه این‌که مشتمل بر گناه و ترغیب به گناه باشد.

#### قول اول (مرحوم ایروانی): اعتبار لهوی بودن مضمون

قول اول قول کسانی است که می‌گویند شرط صدق غنا این است که مضمون کلام باطل و لهوی باشد.

محقق ایروانی جزء‌این دسته است. منتها می‌گوید من از باب قدرمتیقن می‌گویم که قدرمتیقن در صدق غنا این است. ولی بعد که توضیح می‌دهد می‌گوید آقا! این‌هایی که می‌گویند محتوای کلام مهم نیست، صوت لهوی [مهم است]، آخه آن‌هایی که غنا می‌خوانند صوت‌شان چه فرق می‌کند با صوت این‌هایی که شعرهای درست می‌خوانند؟ خیلی از موارد فرق نمی‌کند. محتوا شعر عاشقانه باشد یا عشق به خدا باشد یا عشق به زیبارویان باشد، این بالاخره در کیفیت صدا چه نقشی دارد؟ بگویید نه، آن صوتش لهوی است این صوتش لهوی نیست. لهو که ربطی به کیفیت صوت ندارد. لهو مربوط می‌شود به محتوا.

حالا ایشان این‌جور فرموده که ان الکیفیة فی ذاتها لاتتصف باللهو و البطلان بل المدار فی الاتصاف باللهویة هو مدلول الکلام. این نظر ایشان است.

#### مرحوم ایروانی: تفاوت لحن اهل فسوق و اهل طاعت فقط به انس ذهنی است

بعد راجع به مناسب بودن با الحان اهل فسوق هم که مرحوم شیخ فرمود ایشان هم اشکال کرده مثل امام. فرموده الحان اهل فسوق چیه؟ چه فرق می‌کند با الحان اهل طاعت؟ چه فرق می‌کند الحان‌شان؟ خب شما از باب این‌که نوعا داش‌ها دستمال یزدی دست می‌کردند و می‌چرخاندند می‌گویید این رفتار اهل فسوق است، ولی تسبیح چون متدینین می‌چرخانند می‌گویید این رفتار اهل طاعت است بعد در تسبیح هم فرق می‌گذارید، تسبیح‌ها فرق می‌کند، ‌آن تسبیح داش‌ها یک جور دیگه بوده، تسبیح متدینین یک جور دیگه. این از باب این است که شما مانوس شدید با این چیزها. شما مانوس شدید. اهل فسوق یک الحانی داشتند، شما تا این لحن را می‌شنوید می‌گویید بابا! من که قبلا یادم می‌آید این لحن را از اهل فسوق شنیدم، می‌گویی این لحن اهل فسوق است. و الا چه تناسبی دارد این لحن که لحن فسوق باشد آن لحن، لحن اهل طاعت باشد. چه فرق می‌کند لحن؟

[سؤال: ... جواب: آهنگ اهل فسوق با آهنگ اهل طاعت چه فرق می‌کند؟ ... ببینید! ناقل الکفر لیس بکافر. ما داریم قول مرحوم ایروانی را می‌گوییم. آخرش بگویید نادرست. اما اینقدر هم واضح البطلان هم نیست که شما می‌گویید. اینقدر هم واضح البطلان نیست. خیلی ما شنیدیم از افراد مختلف که وارد هم بودند می‌گفتند بین این سرودهایی که پخش می‌شود، ‌لحنش با این ترانه‌هایی که قبل از انقلاب خوانده می‌شد یا الان جای دیگر خوانده می‌شود خیلی لحن‌ها با هم فرق نمی‌کند. حالا گاهی مثلا خیلی شدید می‌شود یک بحث دیگر است. حالا او را می‌رسیم. می‌گویند لحن‌ها با هم فرق نمی‌کند. اصلا یک علم است. خب این علم را می‌شود شما در ترانه‌های عاشقانه استفاده کنید اسمش را می‌گذارند ترانه‌خوان و آوازه‌خوان و سرودهای آن طرف آب. اگر نه، یک چیزهایی قابل توجیه بخوانی، ‌اشعاری را بخوانی آخرش یک یااباالفضلی بگویی این را می‌گویند نه، این سرود انقلابی و مذهبی. و الا ادعا می‌کنند، مرحوم استاد هم در این دوره اخیره در بحث قضاء به همین مذهب، قول اول تمایل داشت که حالا بعد نقل می‌کنیم، ادعا می‌کنند کیفیت در غناهای محرم در این آوازهایی که می‌گویند حسنوا اصواتکم بالقرآن یا در مراثی یا در مدائح، ‌فرق نمی‌کند. همین مداح‌هایی که می‌خوانند، ‌اصلا این‌هایی که کارشان گرفته این‌ها اصلا خیلی‌ها مراعات همان قوانین موسیقی را می‌کنند.

#### قول دوم ( امام و مرحوم تبریزی): محتوای کلام هیچ نقشی در غنا ندارد

قول دوم در مقابل قول اول: می‌گویند اصلا محتوای کلام هیچ نقشی ندارد در غنا. غنا کیفیت صوت است.

امام نظرشان این است که حتی می‌گویند واضح لاینبغی التامل فیه.

مرحوم استاد در ارشاد الطالب نظرشان این بود.

#### دلیل اول: صدق غنا بر صدای غیر مفهوم

شاهد هم ذکر می‌کردند. می‌فرمودند شاهد بر این‌که غنا کیفیت صوت است، این است: آدم از دور که یک صدایی می‌شنود می‌گوید این غنا است، با این‌که محتوی هنوز به گوشش نخورده. مواد این کلام را تشخیص نمی‌دهد. گاهی اصلا یک شعری است که مشترک است. آدم نمی‌داند این‌که می‌گوید که نمی‌دانم من اسیر عشق تو شدم، این فعلا معلوم نیست دارد به کی خطاب می‌کند. حالا آخرش معلوم می‌شود. فعلا دارد شعر می‌خواند من اسیر عشق تو شدم، من اسیر گیسوی تو شدم، ‌من چیِ تو شدم، ‌خب عرف می‌گوید دارد غنا می‌خواند دیگه. دیگه نگاه نمی‌کند که آخرش چی بگوید. آخرش آن تخلصش چی باشد.

#### دلیل دوم: موثقه عبدالاعلی

بعد مرحوم استاد فرمودند شاهد بر این‌که غنا کیفیت صوت است، موثقه عبدالاعلی است: قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن الغنا و قلت انهم یزعمون ان رسول الله صلی الله علیه و آله رخص فی ان یقال جئناکم جئناکم، در عروسی دختر را که می‌آوردند به سمت خانه داماد، این‌جور می‌خواندند: جئناکم جئناکم حیونا حیونا نحیّکم، ‌خلاصه ما آمدیم پیش شما بیایید به ما تبریک بگویید تا ما هم به شما تبریک بگوییم، این را به عنوان غنا ذکر کرد، بعد سائل می‌گوید که مردم فکر می‌کنند پیامبر اجازه داد که این‌جور بگویند. فقال کذبوا ان الله عز و جل یقول و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما لاعبین لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان کنا فاعلین بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق و لکم الویل مما تصفون ثم قال ویل لفلان مما یصف، وای بر آن شخص که این سخنان را می‌گوید، ‌رجل لم یحضر المجلس، کسی که نزد پیامبر نبود دروغ به پیامبر می‌بندد.

خب این جمله‌ای که سائل گفت غنا، ‌امام هم تعبیر کرد آره و پیامبر هم اجازه نداد مگر این محتوایش باطل بود؟ جئناکم جئناکم حیونا حیونا. منتها ما ردئ الصوتیم غنا نیست؛ آن‌هایی که می‌گفتند حسن الصوت بودند می‌شد غنا.

این هم قول دوم.

[سؤال: ... جواب: نه دیگه. رجل یعنی آن رجل لم یحضر مجلس پیامبر را. ... یعنی چی؟ ... ویل لفلان مما یصف بعد راوی می‌گوید که آن فلان یک شخصی بود که در مجلس نبود، خیلی بعید است که امام فرمود ویل لفلان مما یصف بعد راوی می‌گوید که مراد امام از این فلان یک شخصی بود که در مجلس نبود. نه. ... خب توضیح بدهد، راوی بگوید و اراد به رجلا لم یحضر المجلس ظاهرش این است که ویل لفلان مما یصف. رجل لم یحضر المجلس. این شخصی است که در مجلس پیامبر نبود دارد همین‌جوری حرف می‌زند. خودش ندیده همین‌جوری می‌آید می‌گوید. مقصود این است.

#### اشکال به دلیل اول (مرحوم تبریزی در درس قضا و شهادات): این‌ها تداعی معانی است

خب مرحوم استاد در این دوره کتاب قضاء و شهادات مطالبی فرمودند، ما بودیم، ولی ظاهرا برگشتند در این کتاب قضا و شهادات‌شآن‌که چاپ شده نیست. تکرار همان حرف‌های ارشاد الطالب است. فرمودند نه قدرمتیقن از غنا همان جایی است که محتوا لهوی باشد. و اینی هم که گفته شده، ایشان می‌فرمودند، ‌گفته شده که این صداهایی که از دور به گوش می‌رسد نمی‌دانیم محتوایش چیست، ‌ما می‌گوییم غنا است به صرف کیفیت صوت، معلوم می‌شود محتوا دخالت ندارد، ‌ایشان می‌فرمودند نه. این‌ها همان تداعی معانی است. انس است. یک سری چیزها آدم چون از بس این حالت‌ها را شنیده، آخه الان را که نمی‌گوید. مرحوم آقای تبریزی آن زمان قدیم را می‌گفتند که خودشان جوان بودند، ‌از دور صداها را می‌شنیدند می‌گفتند که ما می‌گفتیم، ‌ایشان این‌جور می‌گفت دیگه، ما می‌فهمیدیم این غنا است. خب آن، تداعی معانی می‌شود. آدم انس دارد. این آقا دارد غنا می‌خواند. هیچ کی نمی‌آید در رودخانه نصف شب چند تا جوان بیایند زیارت جامعه کبیره را با این صدا بخوانند که. این معلوم می‌شود همین شعرهای مبتذل را دارد می‌خواند. اما حالا اگر در یک مجلسی بود که سیاه زده بودند، ‌باز هم آدم از دور صدا بشنود، ‌این چه صدای زیبایی، باز هم یاد غنا می‌افتد؟ نه، آن تناسب این‌که می‌بیند در این جوان‌ها به تیپ‌شان نمی‌خورد که این‌ها بیایند قرآن و دعا را با این صدا بخوانند. تداعی معانی می‌شود. ایشان این‌جور می‌فرمود.

قول سوم را هم عرض کنم، ان شاء الله بحثش جلسه آینده.

#### قول سوم (مرحوم خوئی): عدم اعتبار لهوی بودن مضمون در مواردی که صوت لهوی کیفیت شدیده دارد

قول سوم قول مرحوم آقای خوئی است. مرحوم آقای خوئی فرمودند که گاهی کیفیت صوت به نحوی است که محتوای حق را هم می‌پوشاند و عرف می‌گوید این غنا است. گاهی محتوای باطل جزء العلة می‌شود و این کیفیت صوت را غنائی می‌کند. نمی‌شود یک جور حساب کرد. دو جور غنا داریم. غنائی که صوت حسن هست در حد متعارف، محتوای کلام چون باطل است و لهوی است عرف می‌گوید هذا غناءٌ. گاهی محتوا حق است در همان حد متعارف صوت موزون و حسن باشد، ‌عرف نمی‌گوید غنا. اما شروع که کرد متعارف بود، ناگهان دیدیم بابا رفت به آن آهنگ تند، از امام حسین می‌گوید ولی چی می‌گوید؟! چه جور می‌خواند؟! می‌گویند نه دیگه؛ این شد غنا. یعنی کیفیت شدیده صوت لهوی تاثیر می‌گذارد در این‌که آن محتوای حق فراموش بشود. این هم غنا است. فالغناء علی قسمین.

به نظر واقع‌بینانه‌ترین قول همین قول می‌آید که گاهی صوت، حسن متعارف دارد، صوت متناسب با لهو است، محتوا چون لهوی است، تتمیم می‌شود این مطلب و می‌شود غنا. گاهی همین مقدار از صوت متناسب با لهو در مضمون حق که خوانده می‌شود عرف می‌گوید این غنا نیست مگر ریتم را شدیدتر کنید، ‌دیگه از آن ریتم‌های آن طرف آبی بشود که دیگه می‌گویند بابا!‌دیگه خاموشش کن، ‌این دیگه شد غنا.

این هم قول سوم.

تامل بفرمایید! ان شاء الله هفته آینده.